



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: 13 دی ۱۳۹۰
مصادف با: 9 صفر ۱۴۳۳
جلسه: 15

موضوع کلی: جوامع روایی ثانوی

موضوع جزئی: کتاب وافی

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ویژگی‌های سندی کتاب وافی:

بحث ما در مورد کتاب وافی بود، تا اینجا به بعضی از مطالب مربوط به این کتاب اشاره کردیم، بحث امروز درباره بعضی از ویژگی‌های سندی کتاب وافی است، مرحوم فیض در مقدمه سوم کتاب وافی تحت عنوان فی تمهید الاصطلاحات و القواعد مطالبی را درباره نحوه ذکر اسناد روایات در کتب اربعه و مقایسه آنها با یکدیگر و همچنین نحوه ذکر سند در کتاب وافی بیان کرده است.^۱

ایشان می‌گویند: مشایخ ثلاثه هر کدام در کتاب خود روشی بکار برده‌اند که با روش دیگری متفاوت است، مرحوم کلینی در کافی ملتزم است در هر حدیثی الا نادراً جمیع سلسه سند بین خودش و امام معصوم (ع) را بیان کند البته گاهی صدر سند را هم حذف کرده به علت اینکه از اصلی که از آن اصل روایت کرده بدون واسطه نقل می‌کند یا ممکن است ارجاع داده باشد به سندی که قبل از این روایت ذکر کرده، بهر حال در هر دو صورت با اینکه سند کاملاً ذکر نشده ولی در حکم مذکور است.

شیخ صدوق بر خلاف مرحوم کلینی اکثر سند را ترک کرده و اغلب فقط به ذکر نام راوی که از امام (ع) اخذ کرده یا او و کسی که از او روایت کرده اکتفا کرده و بقیه سند را ذکر نکرده لکن در آخر کتاب طریق خودش را به آن راوی بیان کرده است و فقط در یک یا دو مورد از این قاعده تخلف کرده؛ مثلاً طریق خودش را به یحیی بن سعید اهوازی ذکر نکرده یا طریق خودش به برید بن معاویه را بیان نکرده ولی در اکثریت قریب به اتفاق اسناد، طریق خودش را به روات بیان کرده است.

شیخ طوسی هم در تهذیب و استبصار گاهی به روش کلینی عمل کرده که همه سند را حقیقتاً یا حکماً بیان کرده و گاهی به ذکر بعض سند اکتفا کرده و اواخر سند را ذکر کرده و اوائلش را ترک کرده و هر جا هم که این کار را کرده به صاحب اصلی که حدیث را از آن اصل اخذ کرده اکتفا کرده یا به مؤلف کتابی که حدیث را از آن کتاب اخذ کرده اکتفا کرده است، البته شیخ طوسی هم در آخر تهذیب و استبصار بعضی از طرق خودش را به صاحبان اصل و مؤلفین کتب بیان کرده و آنهایی را هم که بیان نکرده به فهرست احاله داده است.

۱. وافی، ج ۱، مقدمه، ص ۳۹-۳۲.

مرحوم فیض کاشانی در ادامه می‌فرماید: روشی که من در کتاب وافی پی‌گیری کرده‌ام این است که در نقل اسناد به همان شیوه‌ای که کتاب مشتمل بر روایت عمل کرده عمل کرده‌ام، اگر همه سند در آن کتاب آورده شده من هم همه سند را ذکر کرده‌ام و اگر در آن کتاب به بعضی اکتفا شده من هم به همان بعضی اکتفا کرده‌ام ولی باز در عین حال خود ایشان روش-هایی را برای مختصر کردن سند بکار برده بدون اینکه اخلاقی به اصل شیوه مذکور در آن کتاب ایجاد شود:

۱- کلمه عدّه را به جای عدّه من اصحابنا آورده است. در کتاب کافی در صدر سند روایات، عدّه من اصحابنا زیاد آمده، مرحوم فیض به نقل از خلاصه الاقوال مرحوم علامه عدّه من اصحابنا را که در کافی وارد شده معین کرده و مجموعاً سه طریق برای این عدّه من اصحابنا نقل می‌کند و می‌گوید:

طریق اول: اگر عدّه من اصحابنا، عن احمد بن محمد بن عیسی باشد منظور از عدّه من اصحابنا؛ محمد بن یحیی العطار، علی بن موسی الّکمیدانی، داود بن کوره، احمد بن ادريس و علی بن ابراهیم بن هاشم هستند. - در مورد علی بن موسی الّکمیدانی می‌گوید کمیدان قریه‌ای از قراء سبعة قم بوده که قبل از اینکه اشعریون به قم بیایند و این قراء مجتمع شوند و نام قم بر اینها نهاده شود و این قراء محلات هفت‌گانه قم شوند این قراء از هم مستقل بودند و کمیدان یکی از هفت دهی بود که در قم بوده که آن موقع هم قم معروف به هفت ده بود و بعد که اشعریون به قم می‌آیند مجموع این قراء را به عنوان قم قرار می‌دهند که کمیدان یکی از محلات قم می‌شود.

طریق دوم: گاهی عدّه من اصحابنا عن سهل بن زیاد روایت نقل می‌کنند که اگر عدّه من اصحابنا عن سهل بن زیاد روایت نقل کنند مراد از آن عدّه، علی بن محمد بن علّان، محمد بن ابی عبد الله، محمد بن الحسن و محمد بن عقیل کلینی است. طریق سوم: گاهی هم عدّه من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد برقی روایت نقل می‌کنند که این عدّه عبارتند از: علی بن ابراهیم، علی بن محمد بن عبد الله بن اُذینه، احمد بن محمد بن امیه یا اُبیّه و علی بن الحسن. در مواردی که عدّه من اصحابنا در کتاب مرحوم کلینی وارد شده مرحوم فیض به جای آن، عدّه آورده و عدّه من اصحابنا نیاورده است.

۲- در اوائل اسانید کتاب کافی یا تهذیب گاهی دو نفر ذکر شده‌اند که عبارتند از: محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان، مرحوم فیض این دو را حذف کرده و از آن دو به نیسابوریان؛ یعنی دو نفری که اهل نیشابور هستند نام برده یا از ابو علی الأشعری عن محمد بن عبد الجبار به قمیان تعبیر می‌کند.

با اینکه کتاب وافی کتاب مهمی است ولی جایگاه خودش را به عنوان یک جامع روایی که به آن استناد شود بدست نیاورده و خیلی مورد توجه قرار نگرفته که شاید به این خاطر بوده که وافی در ترتیب ابواب، ترتیب متفاوتی با آنچه که در کتب اربعه وجود دارد ارائه داده که گرچه مزایایی دارد ولی با ترتیبی که در کتب اربعه ذکر شده متفاوت است یا تکرارهایی که در کتب اربعه وجود داشته حذف شده ولی در ابواب مختلف بکار رفته یا ممکن است گفته شود ابواب کتاب وافی منطبق بر ابواب فقهی نیست و اینکه کتاب وسائل الشیعه که بعد از کتاب وافی تألیف شده بیشتر مورد توجه

قرار گرفته شاید به خاطر این بوده که ابواب آن تناسب بیشتری با ابواب فقهی دارد و اختصاص به ابواب فقهی دارد در حالی که کتاب وافی شامل ابواب غیر فقهی هم می‌باشد.

۳- از روش‌های دیگری که مرحوم فیض در اختصار سند بیان می‌کند این است که مثلاً از علی بن ابراهیم عن ایبه عن ابن ابی عمیر که کثیراً در سلسله سند روایات ذکر شده‌اند به عن الثلاثه تعبیر می‌کند؛ یعنی هر جا که می‌گوید عن الثلاثه منظور این سه نفر هستند و اگر در تتمه سند غیر از این سه نفر دو نفر دیگر هم اضافه شده باشند؛ یعنی مثلاً این طور آمده باشد؛ علی بن ابراهیم عن ایبه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبي به عن الخمسه تعبیر می‌کند.

۴- در بعضی موارد برای اختصار به جای اینکه نام کامل شخص راوی را ذکر کند نسبت یا وصف او را ذکر می‌کند؛ مثلاً به جای حسن بن محبوب می‌گوید: صرّاد یا به جای احمد بن محمد می‌گوید: سیّاری یا مثلاً به جای محمد بن نعمان عن احمد بن محمد بن الحسن عن ایبه محمد بن حسن بن ولید کلمه مشایخ را بکار می‌برد.

۵- از جمله مواردی که برای اختصار سند انجام داده این است که اگر یک حدیثی با چند سند در یک کتاب یا چند کتاب آمده باشد اگر همه سند مختلف باشد ابتدا سند و متن را از کافی می‌آورد و بعد سایر اسناد را بدون تکرار متن اضافه می‌کند اما اگر بعض سند مختلف باشد؛ یعنی مثلاً سند در نام امام و راوی از امام یکی باشد اما بقیه مختلف باشند، ابتدا اسناد مختلف را تا آن راوی می‌آورد و بعد نام راوی و بعد امام و بعد متن را ذکر می‌کند، البته در هنگام نقل سند و اختلافی که تا راوی در نقل سند روایات وجود دارد مشخص می‌کند که مثلاً این سند در کافی و تهذیب و من لایحضره الفقیه است؛ یعنی بدون اینکه به این کتب مراجعه کنید یکجا طرق اتصال آنها و سلسله سند را می‌توانید با هم مقایسه کنید.

در مواردی هم اختلاف در سند، کمتر از حدی است که گفته شد چون گاهی گفته می‌شود همه سند اختلاف دارد و گاهی گفته می‌شود همه سند تا امام اختلاف دارد و گاهی هم گفته می‌شود بعض سند اختلاف دارد در این صورت هم مرحوم فیض به نحوی عمل می‌کنند که بخش‌های مشترک و مختلف سند تمییز داده شوند، آنچه ذکر شد کارهایی است که مرحوم فیض برای اختصار در سند انجام داده است.

«والحمد لله رب العالمین»